

دو سینه غره شهر رمضان استلا هجره
حاملین این روزنامه در طهران و
غیره از سایر بلاد ایران حق طلبه
قیمت ندارند

دانش

هفدهم ژولیه ماه فرانسه ۱۸۷۲
اعلان این روزنامه قیمت ندارد
دارالطباعة خاصه علیه درسته
مبارکه دارالفنون

دانش روزنامه
دانش روزنامه
دانش روزنامه
دانش روزنامه

صاحب نظر و خانی دارای عقل استانی کاشف معضلات
و شکافنده مشکلات نتیجه بلغای قرآزه و فحطان و نجبه
فصحا انراعه و عدنان جناب مستطاب اجل مؤتمن الملک
میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران
زید اقباله العالی که در جلالت قدر و عظمت شان
شهره آفاقند و در علو منزلت و سمو مرتبت یکانه و طاق
در تجمید روزنامه دانش سطره چند نکارش فرموده
و در حقیقت معانی جلیله را در الفاظی فلیله جاداده
و دست فصحا عجم و عرب را بر سینه ادب نهاده با داره
این کرامی روزنامه فرستاده بودند تقیما و تبرکاد در این
نمره درج نمود تا همگان از آن بهره مند شوند

در شقیه ان محظوظ شدم که ساطعا بود اینگونه حظ معنو
در خاطر بنده حاصل بود و همیشه با خود میگویم که چنین
روزنامه علیه باید بطبع آورد تا فضلا را بکار آید و
ادبارا بلاغت اغز آید بحمد الله جناب عالی در سائیه آفنا
مصون از زوال اعلی حضرت قوشوکت شاهنشاهی پمال
روحنا فداه این توفیق را یافتید و ارزو مند ان را
با مال خود رسانیدید الیوم انحرث الامل ما وعدت
و ادرك الحد اقصر ما تمناه بعد از تحصیل حظ او فی
از ملاحظه ان مخصوصا بفرزخان سپردم که نمره های این
جگسته روزنامه را بخیله بترتیب نظم نگاه دارد تا مجلد
سازم و بنحو اندیش بر این عهد همایون بنامم زیادتی
ندارد ایام بکام باد

سوار قیام جناب شرف زیر امر و خارج
جناب جلالتا با فخرم مکرّم مهریانا روزنامه دانش که فی الحقیقه
برای ربابه و ق و صاحب علم و بصیرت دفر پیش است
بشوق تمام از آغاز تا انجام خوانده بحد از دقایق اینفر و نگاه

اخبار روزانه

بر حسب امر قد رقد رافدس هایون شاهنشاه خدا الله
ملکه و سلطان امر و مقرر است که در جنبه دوسه مبارکه

رسانفت العلو جمع السلاطین اولی ریس ریس و اسرار
وضعتم من جعفر بن علی و در مبارکه دارالفنون

فصل اول در افتاب که مبداء علمه حرارت است

(۶) نس مبداء عظیم طبیعه حرارت چیست ج افتاب
(۷) س ایاحرارت افتاب معاین است باحرارت ازضه که التشر نامند باینج این دو حرارت بکله معاین نیستند ولی
چندان از یکدیگر تباين هم ندارند خواص ظاهر آنها هم مشابه و هم متفاوت است نه همین از حیثیت کیت بلکه از حیثیت
کیفیت نیز

دار الفنون که در آنک هیاونی واقع است یک دستگا
 عمارت جدید البناهای عالیجهت بلکه افتخانه دولت علیته
 ساخته شود و نیز مدرسه دیگر بر مدرسه قدیم افتخار کرد
 در این اوقات شروع به کارها انجام کرده اند سه شنبه ۲۴
 شعبان حضرت منظر با شرف اسعد انجم والا نایب السلطنه
 امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دار الخلافه و غیره پشاه
 این دو بنای جدید آمده نقشه عمارات و موقع این دو بنای
 و کارها را اجمع بان دارسیند که فرموده وقت مغرب طازم
 عمارت بیلابت موسوم بکارنامه شدند

مقرب الخافان حاجی نجم الملک منجم باشی حضور مهر ظهور
 اقدس هیاونی که خلد الله ملکه که از معلمین بزرگ مدرسه
 دار الفنون است چند قبل بر حسب قدر قدر ملوکانه
 بنای دیدتیمیرات ستاده و از رفند در این اوقات که کارش
 تمام بود از راه بخیت باصنفا بر کشته بتوسط جناب جلالتا
 وزیر علوم دام افتخار بلکه افتخار نامورد بذل توجه و تفقد
 ملوکانه کردید و عنقریب بجزم تقبیل اسنان علی بدار الخلافه
 خواهد آمد

در ضمن اخبار بلکه در بعضی خاکپای بندکان اعلی حضرت
 اقدس هیاون شاهنشاهی خلد الله ملکه رسیده بود
 که در حواله فیروز کوه ظاهر مدی که بیوزده دغی معروف
 در میان طایفه از صحرانشینان روز کرده حکم هیاونی
 نفاذ یافت و عالیجا امان الله خان طبیب داره حافظ

مجملاً ما مور و روانه انجام شد که مرض مزبور در او از
 نموده مرض در المعالجه نماید

چون در فصل تابستان جمعی کثیر در قراء شمیران بیلابت
 میروند از جانب سنتی الجوانب بندکان اعلی حضرت اقدس
 هیاونی و خفا فراه امر و مقرر رفت که طبیبی طازم بان
 صفحات فرستاده مرصفا اتفاقاً را المعالجه نماید لهذا
 عالیجاه میفرارضا خان که از مجربین اطبای مدرسه بود
 با ادویهجات و لوازم اینکار بطرف شمیرانات ماموریت
 حاصل نمود و اینک در قراء مذکوره مشغول ماموریت
 خود است

در این اوقات نیز جمعی از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه
 دار الفنون که از علوم مختلفه فراغت تحصیل یافته بودند
 داخل خدمت دولت شده بصفحات اذربایجان ماموریت
 حاصل ساختند (سلیمان افلیخان) (میرزا یوسف)
 (میرزا سید یاقرب) (حاجی میرزا احمد) (حاجی خان علم)
 (میرزا سید یاقرب) (حاجی میرزا احمد) (حاجی خان علم)

دارالایمان قم که یکی از شهرهای نزدیک دار الخلافه
 باهر است تا کون طیبی خاذق از تربیت یافتگان مدرسه
 دار الفنون مثل سایر بلاد در انجام ماموریت نداشت
 در این اوقات عالیجا میرزا علی اکبر خان شری که یکی از
 شدکان هنرمند صاحب فضل مدرسه است بحفاظ الصحیح
 انجام ما مور و روانه شد

- (۱) مس چگونه میتوان خواص حرارت شعله شمرد بطور وضوح ثابت کرد چ بواسطه جمع کردن آن اشعه در رکوب لینه
 عدسی ذره بین که در آن حالت مخزن میشود از مقدار زیادی نور حرارت
- (۲) مس عدسی ذره بین کدامست چ این عدسی عبارتست از قطعه شیشه که افلاک سطح آن محدب باشد یعنی
 بشکل مدور یا استوانه برآمده باشد و خاصیت آن را داشته باشد که اشعه منیره و خازنه افنا باشد که بر سطح آن می افتند
 بسمت یک نقطه که آنرا آتشخانه گویند جمع کند لهذا اجسام را بزرگتر بنظر رساند
- (۳) مس یا عدسی ذره بین میتواند مواد قابل الاحتراق را مشعل سازد چ بله چونکه نزدیک میکند اشعه افنا را
 که در اول متوازی و جدا جدا در سطح مشیت می افتند و از آن می گذرند و جمع میکنند تمام آنها را انقباض در نقطه واحد

بنای بعات و رسم هر ساله که از جانب اولیای دولت
علیه مقرر است مدت چهل روز تا اوایل شهر شوال
مدرسه دارالفنون تعطیل دارد و معلمین و متعلمین

از تعلیم و تعلم معاف اند
مطلب آنست که تحقیق قوا و احوال از سر گرفته آید
فوائد تربیت و نشایح معرفت اظهر من الشمس است و هیچ
صاحب نظر از ادراک انوار اهره از چشم نمیتواند پوشید
و قطع نظر از براهین عقلیه و احادیث نقلیه که متوزکنند
بدان ناطق است با ادله حسیه بر هر شیء ثابته و متغییره
که گوهر کربنهای معرفت را ناچهر حکمایه و مقدار و ادراک
از ناچهر اندازه پایه اعتبار است هرگز انجمن با و فوق
مدد کار کرد از بد و عمر و عنفوان جوانی که قادر بر
کسب معارف و تحصیل علوم است ایام خود را مصروف
استفاده و استفاضه میکند تا بقواید عظمه دنیوی و اخروی
و فیوضات کامله ظاهر و باطن دست یابد انا یا از هر قدر
پیش از حال نباشد در هر مجلس و محفله سر بلند و صدق
و نادانان هر چند صاحب طالع و منال شوند در نظر اول
غاری از غریب و تمکین و لله الحمد المنة که در این عهد
خجسته و فیر و زمین تو جهات ملوکانه این خدیو کجها
و حسن تربیت الفخر و که در بان که ناخبر و مهر زیب
او رنگ سپهر است وجود مسعودش زینت بخش دهمیم
و گاه و پرچم رایش بر ترا خیر گاه مهر و با باد و روز بازار

فضل و هنر و هر روزی علم و دانش را رونق دیگر است
نیم اقبال در اهنه از وهمای اوج کال در پرواز است
هیچ هنر پویشیده و هیچ هنر هفتاد از مراحم بیکران
شاهانه محروم نمانده است پس بر ذمت همت افاضه ادرانی
فرض است که اوقات عمر را از جمع زخارف بپرد از ندو
مصروف کسب معارف سازند تا هم طلب صلاح دنیوی باشد
و هم سبب رزق فلاح اخروی و البته بی تحمل بیخ معلوم راه
بکلیه علوم نتوان برد و بدون استمرارت زحمات صاحب
غالیات نتوان گشت مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

افیون

هیچیک از ادویه مفرده مأخوذه از نباتات قدیم الا
از افیون نیستند چنانکه جالینوس که تقریباً پانصد سال
قبل از هجرت حیوه داشت ابقراط که چهار صد شصت سال
قبل از میلاد مسیح متولد شده در کتب خود ذکر کرده از آن
میکند بلکه همیوس شاعر معروف که هفصد و پانزده
سال پیش از تاریخ عیسوی زندگی میکرد که گفتگو میکند
از شیوه مخصوص نباتی که در آن ایام نیپا فلیس می نامیدند
و بعقیده یونانیان قدیم که قائل باریاب انواع بوده اند
این ماده منر شحه از نبات مخصوص را سیسرس که رب
النوع فلاحت و ذراعت است محض خیر خواهی و تفضل
بر غایبای یونان نشان داده و ایشان را از مخاسن و
فوائد آن مطلع ساختند و نزدیک به قین است که منطوق

پس از اینکه مجتمع و متراکم شدند در فضایی کوچک که از آتش خانه گویند بالاجماع اثر این اشعه خیل زیادتر شود و آن اثر
نسبت مستقیم دارد بعد یا حاصل جمع اشعه

(۱۱) پس چرا در صورتیکه بدقت مشاهده نمایند در اطراف آتش خانه صورت رنگینه دیده میشود چون زیرا که عدس
ذره بین زائل آلتون نیست یعنی تمام اشعه افنا ب اگر ذراتی الوان مختلفه هستند و قوت انکسار شعاعشان مختلف است
و نور افنا بر کتب از آنها است به تساوی در نقطه واحد جمع نمیکند

(۱۲) پس اثین حاره چیست ج اثین حاره اثینه اذت مقعر پار ایل (قطع زایده) یا کروی از فلز یا شیشه
قلع اند و یا مفضض که مانند عدس ذره بین خاصیت دارد که اشعه متوازیه منبره یا حاره افنا ب که بسط آن

۱۱

از آن عصیر نباتی افیون بوده است باری اطباء بزرگی
 که بعد از بقراط و جالینوس بر دیگران سبقت قدم داشته اند
 در باب افیون و موارد استعمال آن قصول مبسوطه ذکر کرده اند
 و جمیع اعتقاد بر آن بوده که مدون افیون بسیار از معالجات
 معوقه میماند بلکه کوهی قدم جرئت بیشتر ظاهر میگوید
 که عمل طبابتی افیون ممنوع است معاصرین که از اغراف
 و کزاف کوئی بیشتر اصرار دارند نیز اقرار می نمایند که افیون
 افیون و زبوق و پوست کنه کنه و آهن وید و مشتقات و
 جوهرات آنها ادویه هستند که هر طیبی از استعمال آنها
 در امراض مختلفه ناچار است و علاوه بر این افیون از
 حیثیت کبشیمائی دارای جوهرات عدیده مفید است
 و هیچیک از اجسام نامیه و مواد حیوانی و نباتی را مانند
 افیون و پوست کنه کنه و از آن جوهرات منعده و مختلفه
 الخاصیت نیست لهذا طبیعیون نیز در تجربه آن مسامحی جمیله
 بجای آورده اند و رسالات عدیده نگاشته اند و قطع
 نظر از خواص طبعی و طبیعی کار تجارت افیون در این عصر
 بتحدی بالا گرفته است که هیچ زارع و تاجری از منافع کشت
 و زرع و رواج بیع و شرای آن قو اند چشم پوشید و در
 این ایام افیون مانند نبتا کوچای قهوه معمول به
 و ضعیف و شریف شده و میتوان گفت که مورد استعمال
 افیون در طب کمتر از عشر سایر استعمالات آن است حکما
 و ادبا و ارباب قلم و شیوخ و معتبرین همه تحریک قوی

جمانی با تحصیل نشات نفسا و روحا بقدر ما شایانند
 از آن صرف کنند و مردم بیچاره و تن پرور از خود و فتنه
 نیز تجاوز نمایند و العیاذ بالله از آن اشخاص را بجا گذارند
 و از تنک و فام دست کشند که عمر خود را صرف کشیدن آن نمود
 روزی چند شمال از آنرا تلف کرده این تریاق اعظم و
 نوشداروی کرامینهارا که دو هزار رد کرد است بجز خود
 ستم قتال قرار داده اند در هر صورت نفع و ضرر تریاک در
 و معنادین مشهور خاص و عام شده *بقیه در نمره آید*
طبعی *احمد میرزا محمد کابلی*
 میرزا احمد کاظم متخلص بلفظ قطعه چاه در تبرک و نایب
 این نامه سروده است از صد خاطر در ابدار ظاهر نموده
 بعینها نقل میشود **(تبرک)**

و سخن خسته صاحب قرا و بخت بلند
 شود نا صبر شب آنکه تا ابد آید
 و هر وقت او گشته اند مدتی
 هر آنچه یافت انواع علم داد
 و وزارت علم اختیار کرد و ز پر
 کوز بدایت امرت باش تا که بدین
 اگر موسرات محنت علم ز یونان
 نیجه ز خیالات او چیده دانتر
 بر آن شد که بناریج بهر هنریت
 که با کاهان یک آمد غیب گفت با لفظ

فرشت علم با سپهر پرچم پرایت
 خدا بر اجزش از یاد چشم عینا
 که هر روز اهنه فرودان کار آید
 هر آنچه دیدن حکام شرع کرد
 رفیق دانش و پیشروین عقلا
 ز هفتاد مشرک علم را نه نهایت
 بمان که از ابد از چو کون علم سرت
 که از علو حکما یکند ز فضل و آیت
 سخن بر این خواهم ز روح فدای
 که (این جز بیدار نشدند علم حکما)
 ۱۲۹۹

می مانند تقریباً در نقطه واحد جمع میکنند

(۱۳) **س** ائینه حاره چگونه میتواند اجزا قابل الاخر از ابوزاند **ح** همان دلیل که در عدسی ذره بین کفیم یعنی
 از بابت اینکه جمع میکند افراشته شمس را در فضا بسینا کوچک **(بوفن)** که یکی از حکمای طبیعی فرانسوا سبواسطه اند
 اشعه منعکسه از ائینه هاستو کوچک متعدد بفاصله هشتاد ذرع چوب را آتش میزد و بفاصله شانزده ذرع
 نقره را ذوب میکرد از اجتماع ائینه های کوچک شمسو یک ائینه بسینا بزرگ مقعر حاصل میشد

(۱۴) **س** آیا اشعه شمس بدرمد اخله عدسی ذره بین و ائینه حاره میتواند مواد طبیعی را مشغول کند **ح** بخود خود اشعه
 شمس بقدر کم از آن ندارد که اجزا طبیعی را متحرک کند و ممکن است که با عرض بدو اسباب مصنوعی بعد از زیادی مجتمع و متراکم شود
بقیه در نمره آید